

شش کتابدار برجسته دانشگاهی

و تحقیقاتی*

نوشته کیزم تکاف

ترجمه**

انتخاب تعدادی کتابدار برای موضوع این مقاله چندان آسان نیست، زیرا من در دوران کتابداری خود که از سال ۱۹۵۲ شروع شده است کتابداران زیادی را دیده‌ام و یادآور می‌شوم که در بررسی‌هایی که انجام داده‌ام دریافتیم که با ۷۹ نفر از ۹۰ نفر روسای انجمن کتابداران آمریکایی در صد سال گذشته برخورد کرده‌ام و با سه نفر از یازده نفر دیگر فقط تماس غیرمستقیم داشته‌ام. در این مقاله شش تن کتابدار را به ترتیب سال تولدشان می‌آورم. با

*Keyes D. Metcalf. "Six Influential Academic and Research Librarians", in *College and Research Libraries*. vol. 37, No. 4 (July 1976) pp. 332-345.

**متأسفانه مترجم این مقاله نامش را در دستنویس ترجمه ذکر کرده بود و نام ایشان بر ما پوشیده است. از ایشان خواهشمندیم با دفتر انجمن تماس بگیرند تا در شماره آینده به ذکر نام ایشان بپردازیم.

با دو تن از آنها هرگز روبرو نشده‌ام . آنها قبل از شروع کار کتابداریم ، گرچه بعد از تولد من در گذشتند . با هریک از چهارتن دیگر بیش از چهل سال روابط حرفه‌ای و دوستانه داشته‌ام .

ویلیام فردریک پول^۱

ویلیام فردریک پول دومین رئیس انجمن کتابداران آمریکا بود . دوره ریاست او در سال ۱۸۸۵ آغاز شد و برای سال بعد مجدداً انتخاب گردید ، و یکی از چهارنفری بود که دفتر انجمن را برای بیش از یک دوره اشغال نمود . سه نفر دیگر جاستین وینسور^۲ ، ملویل دیوئی^۳ و هریسرت پوتنام^۴ بودند .

این امید وجود داشت که کنفرانس کتابداری سال ۱۸۵۳ که آقای پول در آن نقش مهمی را داشت ، اولین کنفرانس از سلسله رویدادهای سالهای بعد باشد . ولی بدلیل وقایع ناگواری که پیش آمد برگزاری جلسه بعدی کنفرانس تا سال ۱۸۷۶ معوق ماند . پول تنها کتابداری بود که نقش مهمی در هر دو کنفرانس بازی کرد . او یک ماه قبل از تولد پدر من یعنی در دسامبر ۱۸۲۱ بدنیا آمد . بدلیل ضعف مالی تا سال ۱۸۴۹ نتوانست از دانشگاه ییل^۵ فارغ التحصیل گردد . وقتی در کالج تحصیل می‌کرد بعنوان کتابدار در اتحادیه جامعه کتابداری کار می‌کرد و در زمان فارغ التحصیل شدنش فهرست پول^۶ را که منبع مراجعه مشهوریست و چاپهای بعدی آن هنوز مورد استفاده است ، منتشر کرد .

پس از مرگ پول در ۱۸۹۴ بمدت ۱۷ سال فهرست او به اشکال گوناگون بوسیله ویلیام فلچر^۷ یکی از جانشینان دیوئی در آمهرست^۸ تجدیدنظر و چاپ می‌شد . سپس معلوم شد که این فهرست نمیتواند با راهنمای خوانندگان^۹ ویلسون رقابت کند .

-
- | | | |
|-----------------------------|---------------------|---------------------|
| 1. William Frederick Poole. | 2. J. Winsor. | |
| 3. Melvil Dewey. | 4. Herbert Putnam. | 5. Yale University. |
| 6. Poole's Index. | 7. William Flecher. | 8. Amherst. |
| 9. Wilson's Readers Guide. | | |

وقتی تصدی مخزن کتابخانه عمومی نیویورک را در سال ۱۹۱۳ بعهدہ گرفتیم ، بلافاصله هاری میلر لاییدن برگ^۱ از من خواست که به کتابخانه بازرگانی نیویورک بروم و ترتیب انتقال مقدار زیادی کتاب را که به کتابخانه اهداء شده بود فراهم آورم . کتابخانه آنها را بعلت کمبود فضا در ستونهای بلند سهپائی روی قفسه‌های کتاب انبار کرده بود . یک انگشت خاک روی آنها را گرفته بود ، بطوریکه قبل از یائین آوردن آنها مجبور شدم دودست لباس کار بخرم . در میان کتابها تعدادی از مجلدهای کمیاب که در فهرست پول ذکر شده بود و کتابخانه عمومی نیویورک فاقد آنها بود یافت شد . غالب این کتابها قبل از بنیان‌گذاری کتابخانه آستور^۲ در اواسط قرن گذشته منتشر شده بودند . در بررسی با تعجب دریافتم که کتابخانه عمومی نیورک بیش از ۱۱۰۰ جلد از کتابهای مندرج در فهرست پول را کم دارد ، و چند صد جلد از آنها در میان کتابهای وجین شده کتابخانه بازرگانی موجود بود . فوراً تصمیم گرفتم که بعنوان یک طرح خاص ، سعی کنم مجموعه کتابخانه را با رجوع به فهرست پول کامل کنم و شروع به بازرسی فهرست کتابهای دست دوم کردم و اینکار را بعنوان اولین طرح تحقیقاتی تا زمان ترک کتابخانه در سال ۱۹۳۷ ادامه دادم . تا این زمان فقط ۵۰ کتاب کم داشتیم . در این موقع دومین گنجینه یادآورده کتساب ، از کتابخانه انجمن نیویورک که در دهه ۱۹۵۰ بنیان‌گذاری شده بود و سومین کتابخانه اختصاصی قدیمی در کشور بود ، به کتابخانه عمومی نیویورک منتقل گردید . این بار هم ما صدها جلد کتاب که نام آنها در فهرست پول آمده بود و در کتابخانه عمومی نیویورک نبود یافتیم .

علاقه خاص دیگر من نسبت به پول از این حقیقت ناشی می‌شود که او اولین ، و بطور اخص تنها کتابدار دوران خویش است که توجه ویژه‌ای به طراحی و ساختمان کتابخانه داشت و در این زمینه تاثیر مهمی از خود بجای گذارد . پول را می‌توان بعنوان اولین مشاور در طرح و ساختمان کتابخانه بحساب آورد . در طول ۴۵ سال اخیر ، من همواره در زمره یکی از پیروان او بوده‌ام .
پول از سال ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۹ کتابدار انجمن ادبی بوستن بود ، و همسر الینور گرگوری

1.H.M. Lydenberg.

2.Astor.

متکاف^۱ چهارمین جانشین او بود. با وجود اینکه هرگز پول را ندیده‌ام اینطور احساس می‌کنم که او را می‌شناسم. زندگی پول بوسیله ویلیام. ال. ویلیامسون در کتاب او بنام ویلیام فردریک و جنبش کتابخانه نوین^۲ توصیف شده است.

جاستین وینسور (Justin Winsor)

جاستین وینسور در سال ۱۸۳۱ بدنیاً آمد و از راه غیر معمولی کتابدار شد. در سال ۱۸۶۶ به عضویت هیئت امنای کتابخانه عمومی بوستون^۳ منصوب شد و دو سال بعد، بدلیل گزارشی که در مورد کتابخانه نوشت، نامزد ریاست کتابخانه شد. این گزارش آنچنان مورد توجه اعضای دیگر هیات امنای قرار گرفت که بلافاصله پس از چارلز کافین جوئت^۴ به او این سمت را پیشنهاد کردند. جوئت اولین کتابدار انستیتوی اسمیتسون^۵ و اولین مدافع فهرست نویسی مشترک بود که در این مورد همکاری توانست انجام داد. هم او بود که بیش از همه مسئولیت برگزاری کنفرانس کتابداری را در سال ۱۸۵۳ بعهده گرفت.

وینسور ۹ سال بعد در پائیز ۱۸۷۷ بعد از اختلاف نظرهای متعددی که با هیات امنای اولیاء امور پیدا کرد به هاروارد نقل مکان کرد و پیشنهاد دانشگاه را بلافاصله بعد از آزمایشی رد کرد. وقتی مسئولان مجدداً به او فشار آوردند، تغییر عقیده داد و کتابداری کالج هاروارد را بعهده گرفت. به من گفته شده که آقای وینسور موافقت نهایی خود را در هاروارد فقط چند ساعتی قبل از دیوئی اعلام کرد. ملویل دیوئی بخواهش پرزیدنت الیوت آماده شده بود تا سستی را که وینسور تازه بدست آورده بود بپذیرد. وینسور اولین رئیس انجمن کتابداران آمریکا بود. او ۹ دوره متوالی در این مقام خدمت کرد و در سال ۱۸۹۷ مجدداً انتخاب گردید، به همین جهت در اواخر سال و کمی قبل از مرگش توانست انجمن کتابداران آمریکا را در دومین کنفرانس بین‌المللی کتابداری در لندن شرکت دهد.

1. Elinor G. Metcalf. 2. W.L. Williamson: *William Frederick Poole and the Modern Library Movement*. New York: Columbia University Press, 1963. 3. Boston Public Library. 4. Charles Coffin Jewett. 5. Smithsonian Institution.



William Frederick Poole



Harvard University Archives

Justin Winsor



The Office of Justin Winsor

Harvard University Archives

من به دلیل شخصی متعددی وینسور را برای این مقاله انتخاب کرده‌ام. اول اینکه درست مانند پول که چهارمین سلف همسر من در انجمن ادبی بوستن بود، وینسور هم چهارمین سلف من در کالج هاروارد بود. دوم آنکه تنها دختر او دوست نزدیک مادر من بود و نسوه او دوست خوب کتابخانه‌های هاروارد و رادکلیف و هم چنین خانواده من است. سوم آنکه من در طول ۱۸ سال کار در هاروارد پشت میزی می‌نشستم که آقای وینسور در بدو تصدیش در هاروارد در سال ۱۸۸۷ برای خودش خریده بود. این میز آنقدر بزرگ است که در هر چهار طرفش جای پا وجود دارد و چهار قفسه لغزان هم بالای چهارکشی آن قرار گرفته است. در زیر یکی از قفسه‌های لغزان دستخط آقای وینسور با این جمله "خریداری در نوامبر ۱۸۷۷، جاستین وینسور" بچشم می‌خورد. این میز هنوز مورد استفاده یکی از جانشینان من، لوئیز مارتین^۱ است. آقای وینسور بالای میز طاچه‌ای ساخته بود که نقشه‌ها را روی آن قرار می‌داد و آن علاقه‌زیدی داشت. ولی این قسمت قبل از آمدن من از میان رفته بود. چهارم آنکه، زمانیکه من در سال ۱۹۳۷ به هاروارد آمدم متصدی امور مالی کتابخانه آقای گوکین^۲ در زمان جوانی نامه‌های آقای وینسور را با اولین ماشین تحریری که کتابخانه داشت ماشین می‌کرد. پنجم اینکه، دفتر یادداشت آقای وینسور را که در آن دستورات آموزشی برای کارمندان می‌نوشت نزدیک میز گذاشته بودم. در میان آنها این نکته که کارمندان نباید از تلفن کتابخانه برای مکالمات شخصی استفاده کنند (توجه، تلفن نکنید) و قوانین سخت دیگری که در قرن ۱۹ معمول بود، اما غالب آنها امروز منسوخ شده و یا یکسره نادر است، به چشم می‌خورد. آقای وینسور تاریخدان مشهور و شاید بزرگترین استاد نقشه‌کشی زمان خود بود. نوشته‌های او در مورد تاریخ بوستن و آمریکا هنوز مهم و معتبرند. از یک جهت می‌توان او را مرد روز نامید، زیرا در درس جغرافیا که تدریس می‌کرد از دادن نمره به شاگردان خودداری کرد. در نتیجه پرزیدنت الیوت با او گفت: که دیگر نمی‌تواند بتدریس ادامه دهد. زندگینامه آقای وینسور که بوسیله جوزف آلفرد بوروم^۳ نوشته شده جزئیات زندگی او را

1. Louis Martin. 2. Mr. Gookin. 3. Joseph Alfred Borome.

هربرت پوتنام (Herbert Putnam)

هربرت پوتنام که بعنوان رئیس کتابخانه کنگره در طول چهل سال از ۱۸۹۹ تا ۱۹۳۹ شناخته شده است در سال ۱۸۶۱ بدنیا آمد . او یکی از فارغ‌التحصیلان هاروارد و عضو خانواده انتشاراتی پوتنام و حقوقدان بود . ولی قبل از کار وکالت ، کتابدار انجمن ادبی مینه‌پولیس و سپس کتابدار کتابخانه عمومی همان شهر گردید . قبل از قبول شغل کتابداری در کتابخانه عمومی بوستن که تقریباً همراه با بحران سال ۱۸۹۵ و همزمان با ساختن کتابخانه بزرگ مک‌کیم ، مید و وایت^۱ بود . مدت کوتاهی هم بکار حقوق پرداخت . زمانی نه چندان دور وقتی که انتخاب رئیس تازه کتابخانه برای کتابخانه کنگره مورد توجه قرار گرفته بود ، هربرت پوتنام نماینده انجمن کتابداران آمریکا در کنگره شد . او چنان قابلیت موثری از خودشان داد که سه سال بعد پس از مرگ جان راسل یانگ^۲ روزنامه‌نگار ، پرزیدنت مکین لی^۳ پوتنام را به‌جانشینی او منصوب کرد . و پس از چهل سال خدمت در سال ۱۹۳۹ بازنشسته شد ولی سالهای زیادی هم بدفتری که برایش در کتابخانه در نظر گرفته بودند می‌رفت . پوتنام تا سن ۹۴ سالگی یعنی تا سال ۱۹۵۵ زنده بود . من اولین بار آقای پوتنام را در پائیز ۱۹۱۱ دیدم ، وقتیکه خانم پلامر^۴ رئیس مدرسه کتابداری کتابخانه عمومی نیویورک در حضور اعضای برجسته مدرسه که من هم جزو آنها بودم او را برای سخنرانی دعوت کرده بود در تعطیلات کریسمس ۱۹۱۳ برای دریافت دیپلوم مدرسه کتابداری ، برای اولین بار از کتابخانه کنگره دیدن کردم . من مرد جوان خجالتی بودم و برای اینکه یا سایر هم کلاسهایم که اکثرشان دختر بودند همراه نباشم به تنهایی برای دیدن کتابخانه آمده بودم . جرات نداشتم از کسی سراغ آقای پوتنام را بگیرم . وقتیکه در سال

1. McKim, Mead and White Library. 2. John Russell Young.
3. McKinley. 4. Mary W. Plummer.

قرائت گردش می‌کردم او را دیدم که با چایکی در اطراف میز امانت پیش می‌رفت و مثل همیشه ثابت قدم بود. مطمئن هستم که می‌خواست این حقیقت غیر مترقبه را که یکی از بندگان بهایش بدنبالش کشیده می‌شد پنهان کند. گرچه او در جلسات انجمن کتابداران آمریکا بعد از سال ۱۹۱۳ بارها دیده‌بودم ولی تا ۱۷ سال بعد یعنی تا ۱۹۳۰ اولین فرصت صحبت و مکالمه با او را پیدا نکردم. بخاطر ارتباط به‌کارم بعنوان رئیس بخش فهرست‌نویسی مشترک انجمن کتابداران آمریکا که از سال ۱۹۳۰ برای شش سال ادامه یافت، تقریباً یک روز از هفته را با وینیفرد گرگوری^۱ که مسئول کارهای کمیته بود، در کتابخانه کنگره می‌گذراندم. چون قطار شبانه نیویورک - واشینگتن، صبح زود به واشینگتن می‌رسید، معمولاً برای ورود به کتابخانه تا زمان بازشدن در منتظر می‌ماندم و همیشه مستقیماً به دفتر آقای پونتام می‌رفتم تا سلامی بکنم چون دل‌م می‌خواست بدون اطلاع او در مورد مسائل کتابخانه با کارمندانش صحبتی کرده باشم. همیشه پشت میز بود و معمولاً بین ساعت ۷ تا ۷/۵ قبل از وقت شروع کار حاضر می‌شد. همیشه صمیمانه با من برخورد می‌کرد، بعضی مواقع از من می‌خواست تا در کافه‌تریای کتابخانه نهار بخوریم. اغلب در بازدیدهای روزانه خود از کتابخانه مراهم دعوت می‌کرد و همانطور که قدم می‌زدیم با من مسائل مختلف کتابخانه را در میان می‌گذاشت. کار فهرست‌نویسی مشترک خیلی خوب پیش می‌رفت و تعداد کارهای چایی کتابخانه بصورت قابل توجهی افزایش می‌یافت. حین کار دریافتم که فهرست‌نویسان کتابخانه چندان مایل به قبول کپی برگه‌هایی که از طریق کتابخانه‌های همکار می‌رسید، نیستند. آنها را نگه‌مدارند و مورد تجدیدنظر قرار می‌دهند و در نتیجه باعث تاخیر در انتشار آنها و اضافه شدن هزینه در تمام مراحل می‌گردند. هستینگر^۲، خانم گرگوری و من هر سه نگران شده بودیم. عاقبت من بطور جدی با آقای پونتام صحبت کردم. در روزهای جواسیس در قضاوت استعدادهای کتابداران مدیر خوبی بود و بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۰ کارمندانی نایسته‌ای برای کتابخانه برگزیده بود. ولی در ۱۹۳۰ تماس خود را با اعضای جوانتر این حرفه

1. Winifred Gregory.

2. Mr. Hastings.

از دست داده بود. کیفیت کار کارمندان بدلیل کم‌روئی و کناره‌گیری او و هم‌چنین بدلیل پائین بودن سطح حقوق‌ها و انتخاب ضعیف پائین آمده بود. آقای پوتنام گفت که باید برای تثبیت وضعی که ما درباره آن صحبت کرده بودیم در مورد انتخاب مسئول بخش فهرست‌نویسی تجدیدنظر شود. صبح روز بعد انتخاب ضعیف خود را ارائه داد. فردی که انتخاب شده بود مرد بسیار با استعدادی بود که نظرات خوبی را ارائه می‌داد ولی قادر نبود که عقاید خود را با گروهی فهرست‌نویس ماهر به مرحله عمل درآورد. (من همیشه برای آن انتخاب خود را مسئول می‌دانم) در نتیجه موقعیت بهتر نشد و کمیته انجمن کتابداران آمریکا قبول کرد که تا رسیدن دوران بازنشستگی آقای پوتنام باید منتظر بود و طرح را هم‌گرچه کمتر از حدپیش‌بینی شده موفق شده بود، باید زنده نگاهداشت. من در مورد نوشتن این مطلب همواره مردد بودم، چون دکتر پوتنام مانند دونفری که در این مقاله درباره‌شان نوشته‌ام و سه‌نفری که بعداً درباره آنها صحبت خواهیم کرد از بزرگترین کتابداران ما بوده‌اند. در واقع این شش نفر بیش از دیگران برای رساندن کتابخانه‌های آمریکا به مرحله‌ای که در سال ۱۹۴۵ داشتیم کوشش کرده‌اند. (ملویل دیوئی و جان شاولینگز^۱ را هم شاید بتوان به این فهرست اضافه کرد).

من سه‌بار با ملویل دیوئی ملاقات کردم ولی هرگز با او احساس آشنائی نکردم، پس‌راو گادفرای^۲ را هم می‌شناختم که فرزند خلف پدرش بود و بخاطر مجموعه فهرست‌نویسی در کتابخانه عمومی نیویورک با او سروکار پیدا کرده بودم.

ادوین هاتفیلد اندرسن (Edwin Hatfield Anderson)

ادوین هاتفیلد اندرسن در سال ۱۸۶۱ درست ۶ روز پس از تولد هربرت پوتنام در شهر کوچک زیونزویل^۳ در ایندیانا ای متولد شد. در سال ۱۸۳۸ از کالج واباش^۴ فارغ‌التحصیل گردید و سه سال بعد لیسانس خود را گرفت. من هرگز نفهمیدم که سالهای بعد را تا پائین

1. John Shaw Billings. 2. Godfrey. 3. Zionsville.
4. Wabash College.

سال ۱۸۸۹ یعنی تا زمانیکه به کتابخانه مدرسه دیوئی در کتابخانه ایالتی نیویورک رفت چه می‌کرد. پس از پایان تحصیلاتش ویلیام پول، سمت فهرستنویسی در کتابخانه تازه تاسیس نیویورک^۱ شیکاگو را باو پیشنهاد کرد و او با چشم پوشی از مدرسه کتابداری یک سالی را در نیویورک سرکرد. سپس کتابخانه رایگان کارنگی در برادوک^۲ پنسیلوانیا را سازمان داد و سه سال بعنوان کتابدار در آنجا کار کرد. ۱۰ سال بعد را نیز تقریباً در همان سمت در کتابخانه کارنگی در پیتزبورگ گذراند و سخت مشهور شد. کار انتخاب کتاب او قابل توجه است و فهرست کتب کتابخانه او درخور توجه بود و شایسته‌ترین کارمندانی را که می‌توان در یک کتابخانه بزرگ عمومی یافت، در کتابخانه خود جمع آورد. بعد از یکسال کار دیگری گرفت و دو سال ونیم بعنوان جانشین ملویل دیوئی در کتابخانه ایالتی نیویورک و مدرسه کتابداری که دیوئی از آن کناره‌گرفته بود بکار پرداخت. در طی این سی ماه به تقویت کتابخانه و مدرسه پرداخت و جیمز آی وایر^۳ فرانک والتر^۴ و فرانک تولمان^۵ را به کارمندان کتابخانه اضافه کرد. سپس در اول ژوئن ۱۹۰۱ به کتابخانه عمومی نیویورک رفت تا بعنوان معاون دکتر بیلینگر در اول ژوئن ۱۹۰۸ بکار بپردازد. دکتر بیلینگر در آوریل ۱۹۱۳ درگذشت و در ماه مه آقای اندرسن به جانشینی او انتخاب شد. او حمایت مالی دو ساله‌ای از آقای کارنگی برای تاسیس مدرسه کتابداری که من در سپتامبر ۱۹۱۱ عضو درجه اول آن شدم گرفته بود. در اوایل سال ۱۹۱۲، آزاریاروت^۶ که بمرخصی رفته بود از من خواست بجای او مسئولیت کتابخانه کالج اوپرلین^۷ را بعهده بگیرم. آقای اندرسن با گفتن این موضوع که دانشجویان کالج نابالغ و کسل کننده‌اند سعی کرد مرا از قبول این سمت بازدارد. بهر حال کار را قبول کردم و در ژانویه ۱۹۱۳ که برای تمام کردن سال تحصیلی بر سرکارم برگشتم از این بیم داشتم که این مسئله را علیه من عنوان کند. فکرم غلط بود و در بهار آن سال آقای اندرسن ریاست مخزن کتابخانه عمومی نیویورک را بعهده من گذاشت. تا شش سال بعد، رابطه نزدیکی با آقای اندرسن نداشتم تا اینکه در سال ۱۹۱۸ مدیریت بخش اقتصاد و اسناد را بدنیال ترک

1. Newberry. 2. Braddock. 3. James I. Wyer. 4. Frank K. Walter. 5. Frank Tolman. 6. Azariah Root. 7. Oberlin College Library.

آدلاید هوسه^۱ از کتابخانه بعهده من گذاشت. در شش هفته بعد من به شخصیت واقعی آقای اندرسن پی بردم. کمردرد سختی داشت و یک بار وقتی نتوانست در عرض چند دقیقه بمن برسد بسختی ناراحت شد. اولین باری بود که در موقع کار کردن با من ناراحتی خود را بروز می داد.

آقای اندرسن از من خواست که در اول ژانویه ۱۹۱۹ بعنوان معاون اجرایی بدفتر خارجی او بروم. تنها هدفم این بود که برای او و آقای لایدن برگ ریاست بخش مرجع مفید باشم. بزودی فهمیدم که وظیفه من شامل سرپرستی کارمندان نیز می شود. آقای اندرسن از من خواست که بودجه بخش مرجع را هم آماده کنم و نامه بودجه را پیش نویسی کرده، تجدید نظر در دستمزدها را پیشنهاد نمایم. در طی ۱۶ سال بعد هر روز بطور متوسط یکساعت در دفتر او بودم و بزودی بزرگترین منبع خدمت او به حرفه اش را یافتم، پافشاری او برای اثبات شایستگی کارکنان مهمترین کاری بود که یک کتابدار می توانست انجام دهد. کمتر کسی است که امروز نام ادوین هاتفیلد اندرسن را بیاد بیاورد، اما او بیش از هرکس دیگر در زمان خود برای اثبات شایستگی کتابداران کوشش نموده و یکی از برجسته ترین و مهمترین کتابداران ما بوده است. بیست و چهار نفر از روسای انجمن کتابداران آمریکا در طول پنجاه سال یعنی بین سالهای ۱۹۱۰ و ۱۹۶۰ زیر نظر او و یا با او کار کرده اند. وجود آقای اندرسن برای من بشخصه بسیار مفید بود، همیشه دریافتن لغات صحیح برای محاوره و نوشتن دچار مشکل می شدم و چپ دست هم بودم و مجبورم کرده بودند با دست راست بنویسم. آقای اندرسن غالباً از من می خواست که پیش نویس نامه های مهم را برایش تهیه کنم و شاید باین دلیل که خودش در نوشتن اشکال داشت موقعیت را درک کرد و برای اینکه نویسنده خوبی بشوم کمکم کرد. بخاطر می آورم که پس از سالها کوشش بالاخره برای اولین بار توانستم نامه ای مربوط به بودجه تهیه کنم که او حتی در یک کلمه آن هم دست نبرد. آقای اندرسن مرد بلندقدی نبود ولی همیشه راست می ایستاد و از آنچه بود، بلندتر نشان می داد. او مردی خوش تیپ با چهره ای قوی و زیبا بود. اما با وجود تماس نزدیک من با او،

1. Adelaide Hasse.

هرگز احساس نکردم که با هم صمیمی هستیم . دوست نزدیک من پل نورت رایس^۱ که با او رابط حرفه‌ای چندانی نداشتم اتفاقاً خیلی راحت تر از من با اوصحبت می‌کرد . پس از بازنشستگی آقای اندرسن در سال ۱۹۳۴ فقط یکبار او را دیدم تصادفاً در مهمانخانه ویلیامزبورگ در ویرجینیا باهم ملاقات کردیم و برای آخرین بار در سال باهم به گفتگو پرداختیم ، هنوز راست راه می‌رفت ولی خیلی ضعیف شده بود و چندسال بعد در سن ۸۴ سالگی درگذشت .

هاری میلر لایدن برگ (Harry Miller Lydenberg)

لایدن برگ در نوامبر سال ۱۸۷۴ در دیتون^۲ اوهایو بدنیا آمد . وقتی پدرش بدلیسل جراحاتی که در جنگهای داخلی برداشته بود فوت کرد ، هنوز خیلی جوان بود . هاری صبحهای زمستان وقتی که هنوز ستاره‌ها در آسمان می‌درخشیدند روزنامه می‌فروخت و چهل سال بعد وقتی روزی صبح زود او را برای گردش آخر هفته به کترکیلز^۳ می‌بردم از این موضوع با لذت سخن می‌گفت . همزمان با تحصیلات دبیرستانی خود در کتابخانه عمومی دیتون کار می‌کرد و با وجود ساعتها کار زبردست جاستین وینسور در عرض سه سال ، از هاروارد فارغ التحصیل شد . آنقدر خوب کار کرد که آقای وینسور می‌خواست او را نگهدارد . اما او تحت نظر جان شاولینگ^۴ در کتابخانه عمومی تازه بنیاد نیویورک با این امید که بتواند زندگی بهتری داشته باشد بکسار پرداخت . آقای بیلینگر استعداد او را تشخیص داد و دریافت که علاوه بر کار با ویلبر فورس ایمز^۴ کتابشناس بزرگ ، تجربه‌های زیادی در قسمت‌های مختلف کتابخانه کسب کرده است . پس زودی آقای لایدن برگ را معاون خود کرد و در این سمت هاری توانست در پیشبرد رده بندی جدید کتابخانه و تهیه فهرست سرعنوان موضوعی و تهیه بولتن نقشی بعهده گیرد و سرپرستی بخش انتخاب کتاب و چکیده نویسی ادواریهائی را که در فهرست نشریات ادواری استاندارد نبودند بعهده گیرد . او در آماده سازی و نقل مکان از ساختمان کتابخانه آستور^۵ و لنوکس^۶ به ساختمانی که بوسیله

1. Paul North Rice. 2. Dayton, Ohio. 3. Catskills.
4. Wilberforce Eames. 5. & 6. Astor and Lenox Library.

مقامات شهری برای سازمانهای خصوصی در خیابان چهل و دوم و خیابان پنجم ساخته شده بود نقش مهمی داشت . قبل از این نقل مکان در سال ۱۹۱۱ کتابدار ارشد مرجع و سرپرست بخش مرجع شد . امروزه یعنی بعد از ۶۵ سال مجموعه تحقیقاتی او یکی از سه مجموعه بزرگ تحقیقاتی کشور بشمار می‌رود . (دومجموعه دیگر مجموعه کتابخانه کنگره و هاروارد هستند) . اولین بار ا.ج. ام. ال. (درگیابش او را اینطور صدا می‌کردیم و او نیز با این سه حرف امضا می‌کرد) رادر سپتامبر ۱۹۱۱ در مدرسه کتابداری کتابخانه عمومی نیویورک ملاقات کردم . آدمی ضعیف ، نسبتاً کوتاه قد و جسماً پراثری بود و همیشه عادت داشت پله‌ها را دو تا سه تا بالا رود . بنظرم می‌آید که رفتار کمی خشک‌داردولی صمیمیت و گرمی در آن دیده می‌شد . در اوایل ۱۹۱۳ در کتابخانه مدرسه بصورت غیرمستقیم تحت نظر او شروع بکار نمودم و درحوالی همان سال بعنوان رئیس مخزن سا او تماس دائم پیدا کردم . اوایل بنظرم سی‌آمد که درمقابل طرح مسائل مختلفی که خودم یا دیگران با آن مواجه هستیم خونسرد و بی احساس است . مطمئنم که فکر می‌کرد که من پرشوره‌ستم ولی معتقد نبودم که مزاحمت ایجاد می‌کنم . ولی درعرض یکسال دریافتم که خشونت ظاهری او حجابی است که باطن دوست داشتنی‌ترین و محبوب‌ترین آدمی را که تا بحال شناختم می‌پوشاند . وقتی که درسال ۱۹۱۳ برای اولین بار با آقای لایدنبرگ آشنا شدم تصور کردم که او محافظه‌کارترین و غیرقابل انعطاف‌ترین مردی است که تا بحال دیده‌ام . در سال ۱۹۱۹ که بعنوان معاون اجرایی او بدفتر اصلی کتابخانه آمدم و روزانه بارها با او تماس پیدا کردم فهمیدم که آنچنان محافظه کاریست که بجانب دیگر قضایا که در مورد آن توافق نداشتیم نگاهی هم نمی‌اندازد . در طی ده سال دیگر ما با یکدیگر دوستی نزدیکی پیدا کردیم و او میانه‌رو بنظر می‌آمد و در دهه ۱۹۳۰ فهمیدم که هر سال آزاد می‌خواهتر می‌شود . کمتر آدمی را می‌توان یافت که هرچه پیرتر شود جنبه محافظه‌کارانه خود را از دست بدهد . درجهت دیگر این انعطاف پذیری با استعداد سرشارش در زمینه‌های مختلف کار کتابداری ترکیب شده بود . بدون تردید می‌توانم بگویم که درسال ۱۹۴۰ او بزرگترین مقام را در حرفه کتابداری بخود اختصاص داده بود . در طول ۱۶ سال خدمت فعالانه کتابداری از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۵۰ از همه جهات بزرگترین کتابدار ما بوده‌است . اما اکنون بایسد

دلایل این استنتاج را بیان کنم :

۱. اگر دقت کرده باشید موفقیت در انتخاب کتاب و تهیه مجموعه کتابخانه یکی از مهمترین وظایف کتابدار است. در طول بیش از چهل سال که لایدن برگ مسئولیت کتابخانه عمومی نیویورک را داشت و یا به کارهای آن از نزدیک نظاره می کرد، بیش از هر کتابدار دیگر در ایالات متحده و یا حتی در دنیا، موفق شد مجموعه‌ای کامل در همه زمینه‌ها برای کتابخانه تهیه کند. حقیقت این موضوع وقتی آشکار گردید که گزارش تحقیقی پرفسور دوگلاس وی پلز و هارولد دی لاس‌ول^۲ در دانشگاه شیکاگو در نشریه کتابخانه‌های ملی و بورس‌های خارجی منتشر شد. در این گزارش برطبق نظر دانشمندان درجه اول علوم اجتماعی، در فرانسه، آلمان و انگلستان فهرستی شامل ۶۰۰ کتاب مهم و مجله که در این زمینه در سالهای ۱۹۲۷ تا ۳۳ منتشر شده بود بدست آمد. این فهرست با موجودی کتابخانه کنگره، هاروارد، کتابخانه عمومی نیویورک، دانشگاه شیکاگو، دانشگاه کالیفرنیا در برکلی که هر کدام در زمینه علوم اجتماعی کار کرده بودند مقایسه گردید. کتابخانه‌های دانشگاهی غرب سی تا پنجاه درصد کتابها و کتابخانه هاروارد و کنگره ۶۰ تا ۶۲ درصد کتابها را داشتند. با اینکه بودجه کتابخانه عمومی نیویورک کمتر از آن پنج کتابخانه دیگر بود، این کتابخانه ۹۵ درصد کتابها را در مجموعه خود داشت مگر در موضوع حقوق که بخاطر نزدیکی با کتابخانه انجمن حقوق در جمع‌آوری آنها کوشش نکرده بود.

۲. در مقایسه با بعضی کتابداران دیگر به مدیریت صرف و اینکه فقط "کار بچرخاند" علاقه‌ای نشان نمی‌داد و در عوض به درک اشخاص و استعدادها و آنها ارج فراوان می‌نهاد. زمانیکه خواست مدیریت را بدیگران واگذار می‌تواند متوجه شد که توسط مدیران قابلی که وظایف خود را با موفقیت و جدیت انجام داده‌اند احاطه شده‌است. قبل از احتیاج و قبل از اینکه با بحرانهای مدیریت که پیش رو داشت مواجه شود بازنشسته شد. ترجیح می‌داد وقتی در جای دیگری بکار مهمتری می‌پرداخت اینکار را به افرادی که مانند او بخوبی به وظیفه خود آشنا بودند واگذار کند.

۳. اگرچه لایدن برگ از بیماری (کوررنگی) رنج می‌برد به رنگ و چاپ‌زیبا علاقه داشت.

1. Douglas Waples.

2. Harold D. Lasswell.

و با کمک جان آرچر^۱ رئیس چاپخانه کتابخانه کارهای چاپی او بسیار عالی و زیبا در آمدند و تعداد زیادی از نشریات او در میان ۵۰ کتاب سال از نظر هنر گرافیک انتخاب شدند .

۴. آقای لایدن برگ می‌دید که کتابخانه با روشهای جدید عکاسی و تکثیر و با توجه به کاغذ و چرم بیش از سازمانهای دیگر کار کرده‌است . در ۱۹۱۲ اولین ماشین فتو استات را برای کتابخانه خریداری کرد و استفاده از آن توسط کتابخانه و خوانندگان روز بروز افزایش یافت . در سال ۱۹۳۷ این ماشین ۲۵۰ هزار دلار در سال سود داد . در ۱۹۱۴ کتابخانه که رف برگه نداشت با کپی کردن از روی برگه‌دان عمومی کتابخانه بروی کاغذهای مخصوص رف برگه تهیه کرد که اینکار ۱۵ سال قبل توسط هیل^۲ با سروصدای بیشتر انجام شده بود . در طول سالهای جنگ جهانی اول آقای لایدن برگ ، بیش از بیست نوع روش محافظت از کاغذها را که بطور وحشتناکی در حال پوسیدن بودند مورد مطالعه قرار داد و بالاخره تصمیم گرفت بر دو روی روزنامه‌های نیویورک ورقه‌ای از کاغذ برنجی ژاپنی بچسباند و باین طریق عمر آنها را برای بیست سال دیگر طولانی سازد ، افسوس که این کارها بعدها ادامه نیافت ، او در مورد استحکام چرمهای جدید و صحافی‌ها مطالعه کرد و دریافت که غالب چرمهای آمریکائی خوب دباغی نمی‌شوند . در نتیجه بتدریج پوسته پوسته می‌شوند و از اینرو برای صحافی کتابهای کتابخانه و بخصوص برای کتابهای پراستفاده مرجع چرم درجه یک تهیه کرد . صحافی آن محکم تر از آن بود که بزودی درهم شکند و چربی دستها به دوام آن می‌افزود .

در اوایل دهه ۱۹۳۰ استفاده از دستگاههای مایکو و فتوگرافی برای اولین بار در کتابخانه‌ها معمول شد . (کتابخانه کنگره برای گسترش استفاده آرشیو آمریکا از آن قبلا فتوکپی تهیه کرده بود) و از اعطائیه موسسات خیریه برای مطالعه در مورد قابلیت استفاده از میکروفیلیم برای کتابهای مرجع استفاده کرد و دریافت که میکروفیلیم برای موادی که باید بطور مداوم برای ساختن موضوع مورد نظر به فهرست آنها مراجعه شود ، مثل شجره‌نامه‌ها ، فرهنگ‌ها و دائره‌المعارف مناسب نیست . آقای لایدن برگ مرا تشویق کرد تا برای اولین بار بکار تجربی کوچک کردن کتاب

1. John Archer.

2. Yale.

و نشریه‌ها از طریق افست پیردازم که در نتیجه صفحات نیویورک تایمز با اندازه یک چهارم کوچک و روی کاغذ بهتر چاپ شد. اینکار بقدری باعث کاهش حجم می‌شد که ارزش فضای مورد استفاده مساوی با ارزش تکثیر آنها بود. بدبختانه این عمل در دوران رکود اقتصادی انجام شد و بدست آوردن تعهد کافی برای عملی ساختن آن مشکل بود. وقتی که کسادی کار زیاد شد استفاده از میکروفیلیم برای تولید روزنامه‌ها چنان معمول شده بود که تغییر دادن تایمز که تنها روزنامه‌ها در ایالات متحده بود و دسترسی بآن آسان می‌نمود، غیرعادلانه بنظر می‌رسید. اما این تجربه منتج باین شد که کار تکثیر افست در اندازه‌های کوچکتر انجام گیرد و باعث موفقیت‌های بعدی آلبرت بونی و سایر افراد در این زمینه گردد. اینها نمونه‌های ساده‌ای از مسائلی هستند که در مقابل روشهای علمی جدید بوجود می‌آیند. لاییدن برگ در این زمینه رهبر بود، کتابساز محافظه‌کاری که رهبر بدعت گذار زمان خود شد و با رابرت بینکلی^۲ همکاری نزدیکی را در زمینه تکثیر مواد تحقیقاتی انجام داد.

۵. در همین دوران بود که آقای لایدن برگ استعداد خود را در کار مرجع با دنیسال کردن یک نتیجه موفق و با استفاده از راه‌حلهای چاپی در پاسخ به سوالات مشکل مرجع مانند این سوال که "اصل این جمله که به آبراهام لینکلن نسبت داده می‌شود چیست" نشان داد.

۶. در تمام این مسائل آقای لایدن برگ راهنمای همه بود ولی در سال ۱۹۳۰ دریافت که زمان آن فرارسیده است که در دنیای خارج از کتابداری نیز رهبری را بعهده گیرد. او در سال ۱۹۳۰ ریاست انجمن کتابداران آمریکا را در زمانی بحرانی که انجمن در بدست آوردن کمکهای حکومت فدرال برای کتابخانه‌ها در کشمکش بود بعهده گرفت. پس از کناره‌گیری او بخصوص در دهه ۱۹۶۰ این طرح بصورت برنامه عظیمی که بوسیله دولت حمایت می‌شد تبدیل گردید.

۷. او با کمک ویلیام وارنر بیشاپ^۳، اندرو کثوگ^۴، ویلیام مسون^۵ و جیمز تاپیر^۶ جرولد رهبری کار انتشارات فهرست های کتابخانه کنگره، موزه بریتانیا، و ویرایش اول دو جلد

1. Albert Boni. 2. Robert Binkley. 3. William Warner Bishop. 4. Andrew Reogh. 5. C.C. Williamson. 6. James Thayer Gerould.

فهرست مشترک ادواریها را بعهدہ گرفت. و همینطور کار مهم فهرست نویسی مشترک که در سال ۱۹۳۵ با کتابخانہ کنگرہ شروع شدہ بود ولی هنوز پس از چہل سال بعد بہ نتیجہای نرسیدہ بود آغاز کرد.

۰۸. پس از بازنشستگی در سال ۱۹۴۱، در سن ۶۷ سالگی بجای اینکه از فرصت خوبی کہ داشت برای مطالعہ و کار در باعجہ محبوب خانہاش استفادہ کند، اولین کتابخانہ اطلاعاتی بزرگ را در یک کشور در حال توسعہ در مکزیکوسیٹی بنام کتابخانہ "بنیامین فرانکلین" بوجود آورد. دفتر کمیٹہ روابط بین المللی انجمن کتابداران آمریکا را در طول جنگ جهانی دوم در واشنگتن بعہدہ داشت و با کمکهای بنیاد خیرہ در جمع آوری رسالہها و ادواریہا موفق شد تا بتواند جای خالی کتابهایی را کہ در کتابخانہهای کشورهای اروپایی بدلیل واقعہ جنگ خالی بود پرکند. اینکار مهم بہ ایجاد سیستم مبادلہ کتاب در ایالات متحدہ منجر شد، و عاقبت بعنوان عضو ارشد ہیئت اعزامی کتابخانہ کنگرہ انتخاب شد کہ این ہیئت اعزامی توانست بیش از یک میلیون جلد کتاب را از اروپا برای ۶۰ کتابخانہ آمریکائی کہ بدلیل وقایع ناگوار زمان جنگ قادر بہ گردآوری آنها نشدہ بودند، فراهم آورد. در نتیجہ این همکاری، مشخص شد کہ طرح فارمینگتون کہ بعداً مورد توجہ قرار گرفت قابل اجراست. اندکی بعد در مورد ایجاد مرکز روابط بین کتابخانہها موافقت شد و بنیادی برای بیش از صدہا پیمان نامہ در سراسر کشور، شروع بکار کرد و در نتیجہ همکاری کتابخانہها را تا سطحی کہ اکثریت ما در نظر داشتیم، ولی در رسیدن بآن موفق نشدہ بودیم، بالا برد. این روش بیش از ہر روش دیگری، بجز روشهای جدید خود کار کہ تمام مطالب مهم کتابخانہهای تحقیقاتی را در یک واحد بزرگ بدون اینکه در کار کتابخانہهای انفرادی محدودیتی ایجاد کنند جمع آوری می کند، موفق خواهد بود. باید بخاطر آورد کہ آقای لایدن برگ در پیشرفت و شروع کار آنها نقش مهمی را داشته است.

چارلز کلارنس ویلیامسون (Charles Clarence Williamson)

ویلیامسون در ژانویہ ۱۸۷۷ یعنی دو سال بعد از ہاری لایدن برگ بدنیآ آمد، اما کار

کتابداری را ۲۱ سال پس از لاییدن برگ شروع کرد. او از دبیرستان ترک تحصیل کرده بود و پس از اینکه مصمم شد کار زراعت را کنار بگذارد به مدرسه بازرگانی رفت. در حالیکه هنوز ناراضی بود یکسالی را در دانشگاه اوهایو گذراند. سپس بعد از دو سال تدریس در مدارس عمومی سالم اوهایو وارد دانشگاه وسترن رزرو شد. و در دفتر ثبت نام کار می کرد که با همسر آینده اش آشنا گردید و در سال ۱۹۰۴ در سن ۲۷ سالگی فارغ التحصیل شد. سپس دو سال دیگر در زمینه اقتصاد در دانشگاه ویسکانسین^۱ و یکسال در دانشگاه کلمبیا گذراند و در سال ۱۹۰۷ موفق به اخذ درجه دکترا از آنجا شد. بلافاصله کاری توماس^۲ رئیس برایمار^۳ که در جلب همکاری دانشجویان برجسته و جوان برای کالج خود موفق بود، استخدامش کرد و برای چهار سال در آنجا اقتصاد و علوم سیاسی تدریس کرد. آقای اندرس، ویلیامسون را برای سازمان دهی و سرپرستی بخش اقتصاد و جامعه شناسی کتابخانه عمومی نیویورک که تازه تاسیس شده بود در بهار ۱۹۱۱ به ساختمان جدید نقل مکان کرده بود برگزید. پائیز آنسال من بعنوان عضو اولین کلاس کتابداری کتابخانه سخنرانی تخصصی او را که با کتابشناسی درجه یک از کتابهای بنیانی در آن موضوع تکمیل می شد شنیدم. پس از آن کار خود را در بخش او که الفبائی کردن کارتها ساده برگردان بود شروع کردم. و نحت تاثیر وقتی که در کار لازم بود قرار گرفته بودم. سه سال بعد وقتی که بخش مرجع تازه تاسیس یافته بخوبی انجام وظیفه نمی کرد آقای ویلیامسون اداره آنرا بعهده گرفت و خوب از عهده برآمد. در سال ۱۹۱۸ بعنوان آمارگر به بنیاد کارنگی منتقل شد تا مطالعات آمریکائی نمودن را بمرحله اجرا درآورد. اما در اواخر پائیز ۱۹۱۸ از او خواسته شد که برای جانشینی هوسه بعنوان رئیس بخش اسناد و اقتصاد بکتابخانه عمومی نیویورک برگردد. این پستی بود که من در طی شش هفته تازمان برگشت او، آنرا اداره می کردم. دکتر ویلیامسون در عرض چند سال بعد توانست کارمندان نادرست بخش خود را بشناسد و خدمات اطلاعات عمومی، که موادی را در مورد سیاست و حکومت و بخصوص جزوه ها و مواد دیگری که در مجموعه معمولی کتابخانه ها از قبیل کتب و مجلات وجود نداشت ضبط و فهرست می کرد، بکار اندازد. این

1. University of Wisconsin. 2. M. Carey Thomas.
 3. Bryn Mawr.

مجموعه یکی از بزرگترین منابع مراجعه موجود زمان خود در این زمینه بود، او هم چنین بعنوان عضوی از کمیته‌ای که من سرپرست آن بودم خدمت می‌کرد و روشی برای تعیین محل جزوه‌های کوچک فهرست نشده در مجلدات صحافی شده ابداع کرد، و بدون برگه مولف برای هر یک برگه موضوعی تهیه نمود، این مجموعه اکنون بالغ بر ۵۰۰۰۰۰ فقره می‌شود که تعداد کمی از آن در کتابخانه‌های دیگر جمع‌آوری شده‌اند. بعد از اینکه دکتر ویلیامسون کتابخانه عمومی نیویورک را برای آخرین بار ترک گفت خدمات اطلاعات عمومی با موفقیت زیاد توسط آلیس جویت^۱، رولین ساویر^۲ و در این اواخر بوسیله جان فال^۳ اجراء گردید و بیش از پنجاه سال بطرز مفیدی بکار خود ادامه داد. آقای ویلیامسون پس از ترک بخش مرجع، رئیس خدمات اطلاعاتی بنیاد راکفلر شد و حدود ۵ سال در آنجا خدمت کرد. یک روز بهاری سال ۱۹۲۶ با آقای اندرسن در مورد مسائل مربوط به کارمندان صحبت می‌کردیم که آقای فرانک تولمن، رئیس بخش توسعه کتابخانه ایالت نیویورک باو تلفن زد. من بلندشدم که بروم ولی او اشاره کرد که سرجایم بمانم. شنیدم که قرار شد مدرسه کتابداری ایالت نیویورک در ایالت آلیانی و مدرسه کتابداری کتابخانه عمومی نیویورک درهم ادغام شود و تحت رهبری دکتر ویلیامسون که رئیس کتابخانه دانشگاه و رئیس خدمات کتابداری مدرسه کلمبیا خواهد شد، به دانشگاه کلمبیا منتقل گردد. دکتر ویلیامسون کار خود را در ماه مه شروع کرد و بیشتر کارمندان خود را از مدرسه کتابداری انتخاب نمود و کتابخانه دانشگاه را که در وضع خوبی نبود و شدیداً به یک ساختمان تازه نیاز داشت سروسامانی داد. مدرسه خدمات کتابداری، کار خود را با یک دانشکده درجه یک در سطح عالی آغاز کرد. سالهای بعد در سرتاسر کشور آموزش کتابداری از دانشگاه کلمبیا سرمشق گرفت و نیز از توصیه‌هایی که دکتر ویلیامسون در گزارش بنیاد کارنگی با نام آموزش برای خدمات کتابخانه ارائه داده بود سود برد. با پیشرفت کار مدرسه کتابداری و با کارمندان سطح بالا آقای ویلیامسون توانست در مورد طرح ساختمانی یک کتابخانه اصلی فوق العاده مورد نیاز که کتابخانه مرکزی را در خود جا می‌داد و هم چنین برای مدرسه کتابداری که تا آن زمان در سایر نقاط کشور تاسیس شده بود به مطالعه

1. Alice Jewitt. 2. Rollin A. Sawyer. 3. John Fall.

بپردازد و بهترین محل را فراهم کند. اما در پایان سال ۱۹۲۶ از پا درآمد. دوست قدیمی او که مدیر دروس دانشگاه وسترن یوزرو بود و حالا در دانشگاه کالیفرنیا شمالی کار می‌کرد، خانه خود را در دره وودلند در کتزکیلز برای استراحت به او داد که در زمستان می‌توانست در آنجا سکنی گزیند. در شش پائیز گذشته شش کتابدار که در کتابخانه عمومی نیویورک کار می‌کردند یعنی، پل نورث رایس، کارل کانون، چارلز مک کومز، چارلز ویلیامسون، فرانک ویت و خود من تعطیلات هفته را در کتزکیل گذراندیم و از رنگهای پائیزی و از صعود به کوهها لذت بردیم و در هتل‌های مختلف آن ناحیه اقامت کردیم. بدلیل اینکه خانواده ویلیامسون در بیچ ناسول^۱ زندگی می‌کردند، گروه ما اجاره خواست که هرزمستان برای گردش‌های آخر هفته به آنجا بی‌روود. ترتیب اینکار داده شد و این گروه بمدت چهل سال به اینکار ادامه داد. هاری لایدنبرگ در اواخر سال ۱۹۲۵ به گروه مایوس و کانون بعد از عزیمت به بیل از گروه حذف شد. طبیعتاً ما دوستان نزدیکی شدیم. در ۱۹۲۷ ویلیامسون بعد از چند هفته کاملاً بهبود یافت و بسر کارش برگشت، با آگاهی که از علاقه من نسبت به طرح ساختمان داشت اغلب می‌خواست که طرح را با او مرور کنم و این مرحله سالها بطول انجامید. درست وقتی طرحهای کار کامل و آماده ارائه شدند، هاری لایدنبرگ، فرانک ویت، ویلیامسون، پسر من و من با ماسین خانواده ویلیامسون برای گردش به پارک فرانسورت^۲ در ساهراه تاکونیک^۳ رفتیم. کاملاً معلوم بود که چندان سرحال نیست. کم صحبت کرد و ما را بحانه رساند و سپس خودش مستقیماً به بیمارستان رفت. یک عمل جراحی مهم داشت که بیشتر بدلیل سوختگی شدیدی که عفونی شده بود هرگز بهبود نیافت. بعد از دوران نقاهت طولانی توانست مجدداً بعضی از وظایفش را با نتایج تاسف‌آور بعهد بگیرد. ساختمان تازه به مناقصه گذارده شد، در حالیکه او از کار افتاده بود و چنانکه اغلب اتفاق می‌افتد، معماران هزینه را دست کم گرفته بودند و پیشنهاد مناقصه بالا گرفت. معاون ویلیامسون توانست با کم کردن اندازه جاهای غیرلازم، کاهش بی‌جهت ارتفاع طبقات و فضای زیر آنها و باریک

1. Beechknoll

2. Fransworth Park.

3. Taconic Parkway.



Library of Congress

Herbert Putnam



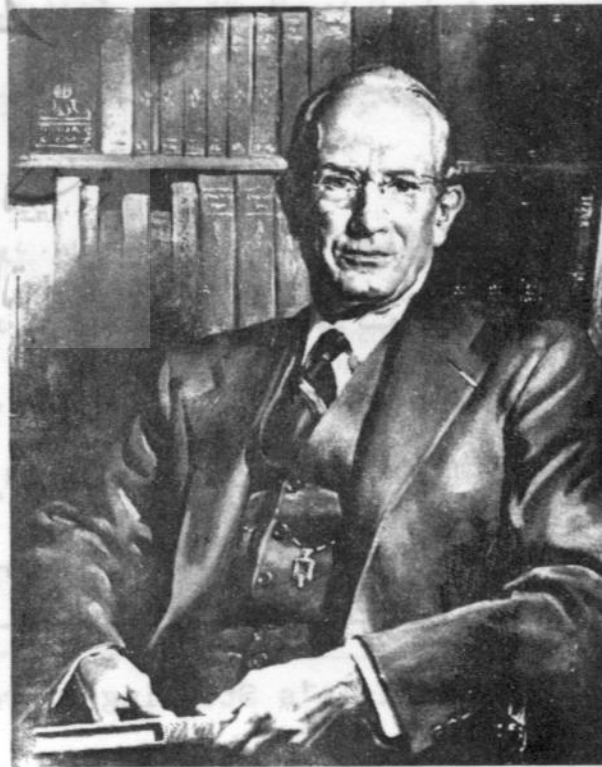
New York Public Library

Harry Miller Lydenberg



New York Public Library

Edwin Hatfield Anderson



Columbia University

Charles Clarence Williamson

کردن زیاده از حد راهروها و قسمت های بلااستفاده از هزینه ها بکاهد ، این ساختمان اولیسن ساختمان مدرن کتابخانه ضد حریق بود که با مخزن مرکزی ساده و با نصب واحد ضد حریق در هر طبقه مخزن مجهز شده بود . این ساختمان در اغلب جهات مناسب با کار و استفاده از آن آسان بود و شامل بهترین ساختمان مدرسه کتابداری در کشور، همراه با یک فضای جداگانه برای دوره لیسانس و کتابخانه های پیشرو دوره لیسانس که محبوبیت پیدا کرده اند می شد . این ساختمان بزرگ کتابخانه با ظاهر تاریخی خود حدود نصف کتابخانه بیل استرلینگ^۱ که در همان زمان با همان وسعت و توسط همان آرشیوتکت ساخته شده بود ، هزینه برداشته بود . اگر آقای ویلیامسون می توانست خود در محل حضور یابد و در مورد کاهش هزینه تصمیم بگیرد مسلماً از بسیاری از نقاط ضعف جلوگیری به عمل می آمد . جنبه بد دیگر ساختمان نور مورد نیاز برای اتاقهای بزرگ مطالعه در جلوی طبقه دوم بود که بوسیله رئیس مدرسه مهندسی طراحی شده بود و ادعای شد بهترین نوع اتاق مطالعه بزرگ و وسیع زمان خود است . در حالیکه این اشتباه بعدها در بسیاری از کتابخانه هایی که بعد از جنگ جهانی دوم ساخته شدند ترمیم گردید . در طی دوران بیماری و نقاهت آقای ویلیامسون اولین همسر او بیماری سختی گرفت و ناپایان عمر یعنی سال ۱۹۳۹ در بیمارستان ماند . اما او کارش را تا زمان بازشنسگی یعنی در سن ۶۶ سالگی تا سال ۱۹۴۱ در کلمبیا ادامه داد . آقای ویلیامسون پس از بازشنسگی یعنی ۲۲ سال بعد تا زمان فوت او در سن ۸۸ سالگی که در سال ۱۹۶۵ اتفاق افتاد ، بعنوان مشاور کمیته تلویزیون آموزشی ایالت کانیکتیگات^۲ بکار خود ادامه داد .

استعداد آقای ویلیامسون تنها در کتابداری نبود . او بحار ، مکانیک و باغبان ماهری هم بود . با دستهای خود قسمت الحاقی خانه اش را در هاستیک هودسن ساخت که از آنجا می شد منظره رودخانه هودسن را تماشا کرد و حداقل سه خانه را در کانیکتیگات تعمیر و نوسازی کرد . زندگی آقای ویلیامسون ، تلخ کامیهای زیادی را همراه داشت که می توانست نظر افراد زیادی را نسبت بزندگی تغییر دهد ، اما این تلخ کامیها در او تاثیری نداشتند . او واقعا

1. Yale's Sterling Library.

2. Connecticut.

مردی کامل عیار بود ولی البته همواره قادر نبود معاونین و همکارانش را به پیروی از خود وادارد. با صراحتی که داشت، اغلب از کسانی که با آنها در تماس بود چه دانشجویان و چه اعضای دانشکده برای خود دشمن تراشی می‌کرد. در حالیکه مدیر خوبی بود نمی‌توانست کارمندان و اعضای دانشکده را در قبول بعضی از قوانین سختی که خود مروج آنها بود با خود همراه سازد. وقتی در سال ۱۹۳۸ در بدست آوردن مقام ریاست انجمن کتابداران آمریکا با رالف مـان^۱ از پیتزبورگ که یازده سال زبردست او بود دست و پنجه نرم می‌کرد، شکست خورد، شکست او برای خودش و همکارانش موجب شگفتی گردید. عدم محبوبیتش در دانشگاه کالیفرنیا بدون شک حربه‌ای علیه او بود. ولی کار او بعنوان کتابدار و رئیس دانشکده منتج به ایجاد یک کتابخانه خوب و مدرسه کتابداری موفق که در اولین ساختمان کتابخانه مدرن به اجراء در می‌آمد شد. در پایان وقتی کسی تاثیرات مختلف را بر پیشرفتهای کتابداری ارزیابی کند، گزارش او را در مورد آموزش برای خدمات کتابداری بسیار موثر می‌بیند و به این جهت او را در میان پنج کتابدار بزرگی که من انتخاب کرده‌ام قرار می‌دهد.

بعلاوه برای کسانی که او را بطور کامل می‌شناختند دوستی خوب و فداکار بود. نقشش در بنیاد کارنگی و راکفلر کمک زیادی به پیشرفت کتابداری کرد. دانش او در تمام زمینه‌های وابسته به کتابخانه‌ها و موسسات آموزش عالی بسیار وسیع بود و علیرغم طرز فکر نسبتاً پائین، مردی بزرگ است که باید از او همیشه یاد کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

References:

1. William Landiam Williamson, *William Frederick Poole and the Modern Library Movement* (New York: Columbia Univ. Pr., 1963).
2. Joseph Alfred Boronie, *The Life and Letters of Justin Winsor* (Ann Arbor: Univ. Microfilms, 1969). Thesis, Columbia University, 1960.
3. Douglas Waples and Harold D. Lasswell, *National Libraries and Foreign Scholarship: Notes of Recent Selections in Social Science* (Chicago: Univ. of Chicago Pr., 1936).
4. Charles C. Williamson, *Training for Library Service: A Report Prepared for the Carnegie Corporation of New York* (Boston: Merrymount Press, 1923).

1. Ralph Munn.